

**آیا جایز است که کسی که ایماندار است و نمی خواهد آزاد شود
دعای شفا و آزادی و حتی جنگ روحانی کرد؟**

• سوالات مشابه :

۱. اگر فرد در مسائل ریشه ای گرفتار است ولی "خودش نمی خواهد آزاد شود" آیا ما با او دعا کنیم ؟
 ۲. فرد حتی روح زدگی دارد و کاملاً خانواده و دوستان تشخیص می دهند ولی او نمی بیند ، چطور ؟
 ۳. فرد روح زدگی دارد و کاملاً مشخص است ولی خودش ترجیح می دهد که با ارواح زندگی کند ، چطور ؟
 ۴. اگر فرد آزاد شود و کلام حقیقت را جایگزین دروغ ها و باورهای غلط خود نکند طبق متی ۱۲ : ۴۳-۴۵ ارواح بر می گردند و اوضاع او بدتر از اول می گردد ، آیا با دعای اخراج روح ما باعث بدبختی بیشتر برای او نمی شویم ؟
- و وقتی که روح پلید از آدمی بیرون آید، در طلب راحت به جاهای بی آب گردش می کند و نمی یابد . پس می گوید «به خانه خود که از آن بیرون آمدم بر می گردم،» و چون آید، آن را خالی و جاروب شده و آراسته می بیند . آنگاه می رود و هفت روح دیگر بدتر از خود را برداشته، می آورد و داخل گشته، ساکن آنجا می شوند و انجام آن شخص بدتر از آغازش می شود. همچنین به این فرقه شریر خواهد شد**
۵. آیا بهتر نیست که با چنین کسانی ما دعای شفا و آزادی و جنگ روحانی نکنیم ، چون روزگار آنان از قبل بدتر خواهد شد !!
 ۶. آیا درست است که کسی که ایمان ندارد با او دعای شفا و آزادی کرد ؟

در مورد سوال ۶ ، غیر ایماندار و خواستن و نخواستن او به مقاله : آیا می شود با یک غیر ایماندار شفا و آزادی کرد ؟ مراجعه کنید . اولاً در مقاله متوجه شدیم که اسم دعای شفا و آزادی را برای جنگ روحانی بکار نبریم . نتیجه ای که از مقاله و آیات میگیریم این است که "بله" باید برای غیر ایماندار دعا کرد و به روح القدس اعتماد کرد که شخص را شفای کامل بدهد و بدانیم که دعای شفا و آزادی و دعای جنگ روحانی با اینکه مکمل هم هستند ولی معنی و کاربرد متفاوت دارند

• بیشتر مواقع شخصی که گرفتار مسائل عمیق ریشه ایست :

۱. در رفتارش نمایان است
۲. خود و یا حتی دیگران را آزار می دهد و یا آسیب می رساند
۳. عموماً از این نکات ریشه ای خود خبر ندارند
۴. امکان شدیدی دارد که نقطه کور ایشان بوده و آگاهی ندارد
۵. فقط عوارض را می بیند و نه ریشه ها را
۶. حتی بعضی وقت ها عوارض را هم نمی بیند

این چنین شخصی را باید با فیض ولی با راستی کامل به مسائل ریشه ای خودش آگاه کرد ولی بعضی از اوقات روحی پشت آن ریشه هاست که نمی گذارد شخص ببیند و یا حتی آزاد شود . چنین شخصی احتیاج به کمک دارد. یا خانواده و یا عزیزان او در دعا هستند و یا شما , در هر صورت برای رحمت و دلسوزی خدا می بایست او را در دعا نگاه دارید که دوم قرنتیان ۴:۴ بر سر او باطل گردد و بتواند , نقطه کور و یا ریشه ها را ببیند و با شما همکاری کند.

• بعضی ها می دانند که روحی با آنها هست ولی دوست دارند که با آن روح ادامه دهند :

۱. شاید قدرت کاذب ولی واقعی که ارواح به او می دهند را دوست دارد و از این قدرت استفاده می کنند
۲. شاید بخاطر غم شدیدی که داشته بخاطر از دست دادن شخص و یا مسئله ای در زندگی اش , ارواح تسلی کاذب به او می دهند و مثل مواد مخدر و یا مشروب او را آرام نگاه می دارند , و فرد این را دوا و درمان خود می داند
۳. از رابطه با روح لذت می برند , شاید آن روح بدون تماس به بدن , او را با تحریکات و تلقین , ارضاع جنسی می کنند

این نوع افراد چون نمی خواهند آزاد شوند , را می بایست در غیابشان با همکاری خانواده شفاعت کنید و برای او بجنگید تا آن روح برود تا بتواند حقیقت را بشنود و آزاد گردد.

• خلاصه :

۱. شفاعت در غیاب شخص که خدا رحم کند و روح خدا او را ملزم کند
۲. جنگیدن برای او و فرمان دادن به ارواح در غیاب فرد برای خیریت او
۳. اگر خود شخص اجازه داد با او دعا کنید حقیقت را به او اعلام کنید و بعد به ارواح فرمان دهید
۴. حتی اگر او نمی خواست ولی خدا موقعیت را ایجاد کرد و روح خدا به شما گفت که دعا کنید , در آن صورت بله باید شما اطاعت کرده و کلام را با محبت اعلام کنید و بعد فرمان دهید (مثل عیسی و فرمان او به شیطان که در پشت پطرس بود , در متی ۱۶ و یا آن شخص که لژیون داشت در متی ۸ , که خودش نمی خواست)

ولی بدانید در مورد نکته چهارم , همه چیز باید در فیض و راستی انجام شود . آنجا جایی برای غرور شخصی شما و نمایش و ثابت کردن هیچ آیه کتاب مقدس به او و دیگران نیست. مواظب باشید از این اقتدار سو استفاده نکنید و برای توبیخ افراد استفاده نکنید و جلوی صورت آنان به ارواح فرمان ندهید و برای خود توجیه نکنید که مسیح به پطرس فرمان داد پس برای من نیز جایز است چنین کنم . این مطلب را باید با محبت , حکمت , آگاهی و هدایت روح خدا انجام داد .